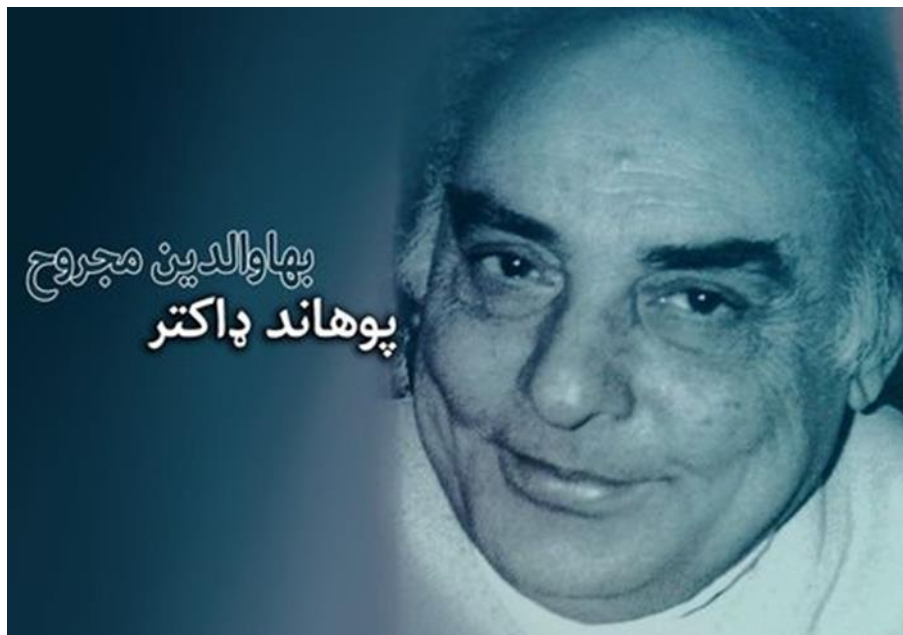




۲۰۲۱/۰۱/۱۷

احسان لمر

پوهاند داکتر «بهاوالدين مجروح»



سيد بهاو الدين مجروح فرزند سيد شمس الدين مجروح در سال (۱۳۰۶ مطابق ۱۹۲۶) در قريه شينكورك اسمار ولايت كمر در خانواده نهايت فرهنگي و معارف پرور به دنيا آمده و پرورش يافت. تعليمات ابتدائي را در زادگاه خود فرا گرفت. از آنجائي كه پدرش كارمند عالي رتبه دولتي بود، حدود ۱۳ سال داشت كه به كابل كوچيدند و باقي تحصيلاتش را در ابتدائيه و سپس ليسه استقلال ادامه داد و در سال (۱۳۲۹ - ۱۹۵۰) ليسانس خود را به عنوان شاگرد ممتاز در رشته فلسفه بدست آورد.

در سال ۱۳۳۱ از طرف دولت وقت براي ادامه تحصيل به فرانسه اعزام شد. در (Sorbonne Paris) و سپس در (Montpellier) به تحصيل پرداخت و علاوه بر زبان فرانسه زبان هاي انگليسي و آلماني را نيز فرا گرفت. چند هفته نيز در لندن به سر برد و در آنجا با نويسنده بلند آوازه عبدالرحمن پژواك كه در آن سال ها آتش مطبوعاتي سفارت افغانستان در لندن بود، آشنا شد. در سال ۱۳۳۶ از شعبه فلسفه و روانشناسي (Montpellier) ليسانس گرفت و در همان جا تحصيلات خود را تا درجه ماستري ادامه داد.

پس از پايان تحصيل، در سال (۱۳۳۷ ش - ۱۹۵۸م) به افغانستان بازگشت و به تدريس در فاكولته زبان و ادبيات پوهنتون كابل پرداخت. مدتي، در سال ۱۳۴۲، والي كاپيسا شد. سپس در همان سال، نماينده فرهنگي افغانستان در شهر مونيخ آلمان گماشته شد و با خانواده به اروپا رفت. او از اين فرصت پيش آمده بهره جست و تحصيل در رشته دكترای فلسفه را دنبال كرد. رساله تيزس خود را با عنوان «تربيت خود» تهيه كرد و در سال (۱۳۴۶ ش - ۱۹۶۷م)، دكتر

خود را نیز از (université Montpellier) فرانسه بدست آورد.^۱

در بازگشت به کشور بین سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱، بحث استاد زبان و ادبیات دانشگاه کابل پرداخت و هم زمان به ریاست همان پوهنځی نیز برگزیده شد.

دکتور سید بهاو الدین مجروح، در سال ۱۳۴۹ در یک حادثه پایش شکست و ناگزیر برای مدتی خانه نشین شد. در این ایام به نوشتن روی آورد و با جمع آوری یادداشت های پراکنده اش در زمینه روانشناسی خاطرات کودکی و نو جوانی و اندیشه های زاده برد باری در برابر رنجوری و درد جسمانی و پیکار با ازدهای نفس، کتابی شد که «ازدهای خودی» نام گرفت.

در سال (۱۳۵۱ الی ۱۳۵۳ش) رئیس انجمن تاریخ افغانستان بود و در ضمن، تا سال (۱۳۵۸ - ۱۹۷۹م)، همچنان در فاکولته زبان و ادبیات تدریس می کرد.

پس از اشغال افغانستان توسط نیرو های نظامی شوروی سابق، استاد مجروح به پاکستان مهاجر شد و در سال ۱۳۵۹، «مرکز اطلاعات افغان» را که یک دفتر فرهنگی بود، در شهر پشاور تأسیس کرد. این دفتر، در واقع یگانه مرکزی بود که به زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی، حقایق در باره مسایل سیاسی و نظامی افغانستان را در دوران جهاد مردم این کشور علیه شوروی ها به جهان بازتاب می داد.

در سال (۱۳۶۶ - ۱۹۸۷)، حلقه وابسته به آی اس آی یعنی حزب اسلامی حکمتیار دست به ترور داکتر سید بهاولدین مجروح زدند، این کشتار در راستای قتل های زنجیره ای بود که دشمنان خارجی افغانستان به منظور از بین بردن نخبگان و مغز های متفکر این کشور طرحریزی کرده بودند، به گفته عبدالطیف ناظمی:

«تاریک اندیشان و تاریخ زدگان غافل، مردی را به گلوله بستند که آرمانی جز صلح در دل نمی پرورید و آرزویی جز مدارا برای جنگ افروزان، در اندیشه نداشت».

اما شبیخونیان که جنگ و آدم کشی را مایه مال اندوزی ساخته بودند، آدمی چون او را چگونه می توانستند پرتابند؟^۲

استاد شهید روشن فکری را در جایی می جست که از هر گونه رنگ تعلق آزاد باشد. او خود چنین تعبیری از روشنفکر دارد:

«روشنفکر موجود جاندار است که برای راه رفتن، به جای پا، از سرش کار می گیرد ... او به مثابه یک فرد، قد می افرازد و هوای خویشتن خویش را دارد. بر آن است تا خویشتن را و پیرامونش را به وسیله دیدگاه روشن فکری خویش در یابد به این گونه مرز های همانندی را زیر می پا گذارد؛ به بیگانه یی بدل می شود و خود تبعید را می پذیرد».^۳

پوهاند رسول رهین می نویسد: «حیف و درد است که این فیلسوف مشهور و این فرهنگی بلند مرتبه افغانستان در سیر زمانه نتوانست تحمل شود و تنگ نظران بی مایه که نه می توانستند الفاظ و ادبیات پر محتوای فلسفی و سیاسی این شاهنشاه فلسفه افغانستان را درک نمایند، تیغ بر کشیدند و جهان فلسفه، جامعه شناسی و ادبیات و ژورنالیزم مدرن افغانستان را بی سر و تاج کردند»

وی در باره اثر (ازدهایی خودی) استاد چنین نظر داشت که :

^۱ Montpellier – شهری از ولایت (Languedoc-Roussillo) در جنوب کشور فرانسه است.

^۲ لطیف ناظمی – مورخ ۲۰۰۸/۰۷/۱۰ دویچه ویله

^۳ – عین مأخذ

«با نوشتن این کتاب مجروح باز به دنیای نویسندگی بازگشت. نه تنها دشواری های دوره درمانش را به وادی فراموشی سپرد بلکه با تکاپوی بیشتری پژوهش های خود را ادامه داد. از اینرو چندان دور از ذهن نبود که وی امیدوارانه از خوانندگان کتابش بخواهد تا ازدهایی را که به پاور وی، انسانها در درون شان می پروراند، بشناسند و راه رهایی از افسون زهر آلود آن را دریابند.»

بخش اول و دوم «ازدهای خودی» نخستین بار در (۱۳۵۲-۱۹۷۳) به اهتمام غلام نبی کاوه از طرف انجمن تاریخ و ادب افغانستان منتشر شد. در سال (۱۳۵۶ - ۱۹۷۷) نیز به مناسبت بزرگداشت از نه صدمین سالگرد تولد حکیم سنایی، این دو دفتر در قالب شعر آزاد پشتو و به همت فاکولته ادبیات پوهنتون کابل دوباره منتشر شد. بعد از فاجعه ثور ۵۷ دست نویس سومین دفتر «ازدهای خودی» از میان رفت، اما دفتر چهارم آن به نام «ترانه های آوارگی» قبلاً در ۱۳۵۲ منتشر شده بود.

Sayd Bahodine Majrouh
EGO MONSTRE I
Le Voyageur
de
Minuit



Texte français par Serge Sautreau

Phébus

ازدهای خودی با درون مایه فلسفی - روانی خویش توجه دانشمندان خارجی را نیز جلب می کند که هم در اتحاد شوروی وقت، ترجمه گردید و نشر شد و هم در کشور فرانسه. نویسنده فرانسوی (Serge Sautreau) بخشهایی از دفتر اول و دوم را با نام «مسافر نیمه شب»^۴ انتشار داد و دفتر چهارم را با همان نام «ترانه های آوارگی» ترجمه میکند.

Sautreau در مقدمه کتاب "مسافر نیمه شب" می نویسد: «این اثر اصلی مجروح، که شامل دو کتاب آئینه ای است که این اولین کتاب آن می باشد، هنوز هم هنوز منتشر نشده است، از جمله به زبان اصلی آن - حتی اگر نفوذ آن از همه مرزها عبور کرده باشد. نویسنده این صفحات که داستان نویسی را هم مانند یک شاعر یاد دارد، رویای حال و آینده یک کشور خیالی (که شناختن آن در افغانستان چندان دشوار نیست) را تهدید می کند که توسط فجایع بسیار نگران کننده تهدید می شود. متن این جلد اول که قبل از حمله شوروی به سال ۱۹۷۹ تالیف شده است، خود را از هزار و یک طریق منحصرأ به فرد نشان می دهد ...

محتوای کتاب از یک داستان شاعرانه بسیار زیاد فراتر است، شکسته شده در صد ها مثل: کمی شبیه کنفرانس پرند گان شیخ عطار، که

مجروح اغلب به ذهن می آورد. اما فراتر از آموزش های دردناکی که به مردمان است که هر لحظه به گوش می رسد ، موسیقی مهیجی به گوش می رسد: شعر شعری که به طور غریزی احساس می کند در ته وحشت بودن در جهان، به طور غیر قابل توضیح ، نهفته است ، حضوری که محاسبات و بدبختی های ما را ناکام می گذارد. و این حضور یک اسم دارد: زیبایی. حضور تسلی دهنده و تلخ همه در کنار هم ، تا حدی که آنچه زیباست باعث می شود بی حرمتی قرن و فراتر از آن ، نقص مرکزی که در قلب انسان نهفته است ، بی رحمانه تر احساس کنیم. نا امیدی که عشق و هنر

Paris Le Voyageur de Minuit - Sayd Bahodine Majrouh - Traduit par Serge Sautreau -^۴
۱۹۸۹ - این کتاب در پاریس طبع شده

Serge Sautreau متولد ۱۶ اکتبر ۱۹۴۳ در قریه Mailly-la-Ville ایالت l'Yonne در فرانسه و وفات ۱۸ مارچ ۲۰۱۰

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنالاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

برای جلب رضایت مأموریت دارند اما نمی توانند راضی کنند، زیرا شاعر برای تشنگی ما یاد آوری می کند، "ما به اقیانوس های شراب قدیمی تر از جهان نیاز داریم"^۵

جناب ناظمی در باره نوشته بود: «در حقیقت همان اژدهای خودی یا دیو سرکش نفس آدمی است که سر از معاره جان آدمی بدر می آورد؛ خود محوری میکند؛ به آزار دیگران بر می خیزد؛ ویرانگر است و پیام آور تباهی.

خودی، به خود اندیشیدن، خود برتر دیدن، خود برتر انگاشتن، اسیر نفس خویش شدن و خود محور پنداشتن است. تا زمانی که فطرت انسان آلوده نشده است و اژدهای خودی در درون آدمی به زهر پراگندی نمی پردازد؛ آدمی از بیماری اندوه، ترس و خشم نیز مبرا است؛ نام آدمی «ایگو» نیست و آزدهایی در اندرون آدمی فرمان تباهی نمی راند»^۶

لطیف ناظمی در همان مقاله اش می نویسد: «مجروح با آن که درس خوانده مغرب زمین بود، هرگز به غرب رفتگان و غرب زدگانی که هم با خود بیگانه گشته بودند و هم با جامعه شان، نه پیوست. او با آن که به فلسفه باختر زمین آشنایی شگرف داشت، ولی این انهماک او را از پژوهش در آثار و افکار اندیشمندان و عارفان اسلامی باز نداشت و راهش را نیز در این دو وادی گم نکرد. اگر از هگل گفت و نوشت؛ در باب ابوریحان بیرونی، خواجه انصار، هجویری و دیگر بزرگان فلسفه و عرفان و تفکر اسلامی نیز قلم زد.

ارجناک وی با عنوان «پیام صوفی بت شکن به بت پرستان فرن بیستم» که برای مجلس بزرگداشت حکیم سنایی

نوشته بود؛ در واقع، ترجمه مقالاتی است که در باب ابوریحان بیرونی فراهم آورده بود؛ این مقاله، شیفتگی وی را به عرفان و حکمت اسلامی، نشان می دهد»^۷



ویکیپدیا فرانسوی می خوانیم که: «کار اصلی او به عنوان نویسنده «هیولای نفس» است، یک داستان گسترده فلسفی با محتوایی مبارزانه ترکیبی از شعر، فلسفه و داستان، که در آن او به استبداد (که هیولای تیتراژ تجسم آن است) حمله می کند و ابراز تأسف می کند اشکال آن مجروح که بیش از یک چهره استبداد را در کشور خود شناخته است درد و رنج افراد و مردم در چنگال هیولا، مظاهر مختلف آن و یا ادامه دهنده های آن را بیان و توصیف می کند. او از طریق تمثیل ها، نمونه کهن الگو ها و شخصیت های نمادین، با اصطلاحات صوفیانه سر بلند شود و عشق، آزادی و زیبایی را در برابر آزار های قساوت، مگالومانیا، خود خواهی و نیهیلیسم گرامی می دارد. .



Les Amants par Serge Sautreau

Phébus

طی سالها، مجروح کار مهمی در زمینه نوشتن، باز نویسی، اقتباس و ویرایش هیولای نفس انجام داد: اولین نسخه نوشته شده به فارسی دری در ۱۹۷۳ ظاهر شد، نسخه دوم به زبان پشتو در ۱۹۷۷، ترجمه جزئی انگلیسی از دری اصلی در ۱۹۸۴ اصلاح شد، سپس نسخه نهایی فرانسه (البته نا تمام) هم باز نویسی و هم ترجمه، ترجمه شده توسط

^۵ – Serge Sautreau در مقدمه کتاب Le Voyageur de Minuit (مسافر نیمه شب) استاد مجروح

^۶ – ناظمی در دویچه ویله

^۷ – لطیف ناظمی دویچه ویله

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

Sautreau ، از متن اصلاح شده دری. متن فرانسوی پس از مرگ در دو جلد - Le Voyageur de Minuit در ۱۹۸۹ و Le Rire des Amants (خنده عشاق) در ۱۹۹۱ - منتشر شد و به عنوان مبنای ترجمه به زبان های دیگر از جمله عربی ، ایتالیایی و دانمارکی قرار گرفت.»

از داکتر سید بهاو الدین مجروح آثار زیادی علمی، سیاسی، فلسفی و ادبی در مطبوعات افغانستان به چاپ رسیده است که برخی از آنها از این قرار هستند:

– تیزس دکترا به زبان فرانسه

– دیالکتیک جبر و اختیار به زبان پښتو

– ازدهای خودی در ۴ دفتر که به زبان پښتو زیر عنوان «خانخانی بنامار» نیز به نشر رسیده است.

– پیام مادر

– دشمن را بشناسید

– سرود های نا آشنا

– صوفی و دنیای نو (به زبان پښتو: صوفی او نوي دنيا)

– چنین گفت زردشت (پښتو: زردشت ووییل داسي)

– بودا چنین گفت

– پیام صوفی بت شکن به بت پرستانی قرن ۲۰ – به مناسبت هزارمین سال ولادت خواجه عبدالله انصاری هروی

– سید جمال الدین و برخورد شرق و غرب – که در سه قسمت در این سایت نشر شده است.

afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/lemar_e_majroh_to_said_afghan.pdf

afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/lemar_e_majroh_to_said_afghan_۲.pdf

afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/lemar_e_majroh_to_said_afghan_۳.pdf

– منازل السائرین یا صد میدان حکیم سنایی

از دیگر آثار بهاولدین مجروح می توان به ترجمه البیرونی اشاره کرد. این مجموعه مقالات که در بر دارنده مقاله هایی در باره ابوریحان بیرونی است، به مناسبت هزاره سالگرد تولدی او به همت استاد مجروح و میر آصف هروی و تنی چند از دیگر مترجمان به دری برگردانده شده و در سال ۱۳۵۲ از جانب انجمن تاریخ و ادب افغانستان در کابل منتشر گردیده است.

استاد در آغاز کنفرانس بمناسبت هزارمین سال ولادت خواجه عبدالله انصاری گفتند: « هر ملت از خود افتخارات تاریخی دارد. و از آن جمله نوابغ جهان علم و ادب اند که نباید به دست فراموشی سپرده شوند. لازم است از ایشان به احترام یاد کنیم و بنام ایشان افتخار نمائیم. نسل جوان چنین پاسخ را خیلی قناعت بخش نمی یابد و گوید:

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

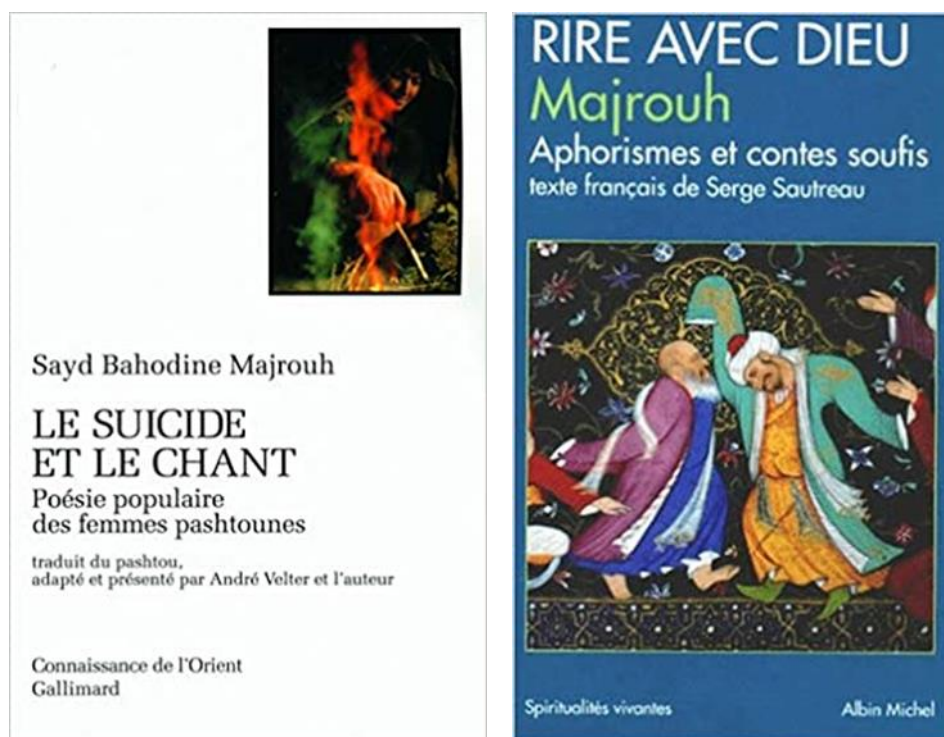
در اجتماعي که مسایل مهم تر و عاجل تری طرح است و ضرورت بکار و عمل مؤثر دارد صرف پول و مساعی در راه پرستیژ و افتخارات بسیار جدی انیست.

باز جواب داده می شود که:

تنها مساله پرستیژ در میان نیست، بلکه تاریخ و گذشته هر ملت بعد اساسی هویت همان ملت است. واقعیت اجتماعی امروز ادامه واقیعت های تاریخی و فرهنگی دیروز است. و اگر این احساس دوام نیابد، تقویت نشود و گذشته ها در طاق نسیان گذاشته شود، ملت به دیوانه ای شباهت خواهد داشت که حافظه خود را از دست داده و نا خود آگاهانه در حیات نباتی و حیوانی بسر می برد.

درین پاسخ مفهوم و معنایی نهفته است. ولی غور و تأمل می خواهد و جوان امروز فرصت تأملات طولانی را ندارد.^۸

دو اثر دیگر استاد که تا کنون هم نزد فرانسویان خواننده دارد یکی «با خدا بخند» آگاهی از قصه های صوفیانه است و دیگر «خودکشی و آواز» اشعار مردمی زنان پشتون می باشد.



داکتر سید عبدالله کاظم طی مقاله ای تحت عنوان "انگیزه اصلی شهادت پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح" منتشره افغان جرمن آنالین (مورخ ۱۲ فیروزی ۲۰۱۷) ضمن بررسی مختصر سوانح استاد مجروح به تفصیل شرحی مستند از نتایج حاصله این نظر سنجی نوشت که مختصر آن چنین است: در اواسط ۱۹۸۷ پس از آنکه دهمین دور مذاکرات ژنیوا در مورد خروج قوای شوروی از افغانستان به پایان رسید و در ۲۰ جولای آن سال داکتر نجیب به مسکو سفر کرد و با

^۸ - کنفرانس باز نشر شده استاد بهاء الدین مجروح توسط فرزند برومند شان محترم نعیم مجروح در فیس بوک.
Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

میخائیل گورباچف دیدار نمود و در این دیدار آگاه شد که شوروی عزم دارد قوای خود را از افغانستان تا یک سال دیگر خارج کند، بحث های داغ در مورد آینده افغانستان و مسئله زعامت در داخل کشور و نیز بین گروپ های مختلف مجاهدین در پاکستان در جریان افتاد. در این میان نقش پادشاه سابق اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نیز از طرف یک تعداد و بخصوص از طرف داکتر نجیب مطرح گردید و عکس العمل های جدی را بین گروپ های مجاهدین مقیم پاکستان بخصوص تنظیم های افراطی به وجود آورد.

در همین فضای پر از ابهام و سرنوشت ساز پوهاند مجروح به کمک یک تعداد از همکاران و محققان افغان تصمیم گرفت که یک عملیه نظر سنجی را به راه اندازد تا معلوم نماید که نظر مردم به کدام سو متمایل است. در این نظر سنجی سوالهای ذیل از ۲۰۰۰ نفر مهاجر افغان مقیم پاکستان (اعم از زن و مرد) که از نقاط مختلف افغانستان در آنجا مقیم بودند، مطرح گردید:

۱ - آیا میخواهید به افغانستان برگشت کنید؟ در صورت بلی، تحت کدام شرایط؟

۲ - آیا شما پیشنهاد آتش بس رژیم کابل را قبول دارید و یا آنرا رد می کنید؟

۳ - آیا شما پالیسی آشتی ملی را که داکتر نجیب ارائه کرده است، قبول دارید و یا رد میکنید؟

۴ - کی را میخواهید که رهبر ملی افغانستان باشد؟

در مورد سه سؤال اول جوابها یک سان بود و همه گفتند که: «ما میخواهیم به وطن برگشت کنیم، در صورتیکه عساکر روسی در افغانستان نباشند و رژیم کمونیستی در کابل از بین برود»، آتش بس رژیم کابل و پالیسی آشتی ملی نجیب را رد میکنیم و حتی یک نفر هم در این مورد نظر دیگر بیان نکرد. در جواب به سؤال چهارم راجع به رهبری سیاسی نتیجه نظرسنجی بطور کل از اینقرار بود: اکثریت قاطع مصاحبه شوندگان به طرفداری پادشاه سابق به حیث رهبر سیاسی آینده افغانستان ابراز نظر کردند (۷۱/۶۵٪) و سهم قوماندانهای جهادی به ۱/۷۵٪ و رهبران تنظیمی به ۰/۴۵٪ در پایانترین سطح قرار گرفت و حتی یک تعداد حمایت خود را به هر شخصی که مسلمان و افغان باشد، بیشتر از رهبران تنظیمها بیان نمودند (۱۰/۳۰٪).

به این اساس دیده میشود که هریک از تنظیمهای افراطی در پشاور نشر سروی یا نظرسنجی منتشره مرکز اطلاعات افغان را که زیر نظر پوهاند مجروح تهیه و به نشر رسیده بود، یک ضربه محکم به موقف خود دانسته و در برابر پوهاند مجروح شدیداً عقده گرفتند. با اوج گرفتن هرچه بیشتر این همه ها، طاقت و تحمل تنظیمهای مخالف بسر رسید و دیگر تحمل آنرا نداشتند، لذا یکی از آنها به احتمال بسیار در تبانی با دستگاه مخوف آی اس آی دست به انجام کاری نامردانه برد و تصمیم به شهادت یک دانشمند نامدار وطن گرفت و همان بود که مامور بی وجدانی را وظیفه داد تا شمع عمر پر بار یک مبارز و یک مجاهد واقعی را با فیر گلوله خاموش کند و او را به مقام رفیع شهادت نایل سازد. شایعات آنوقت میرساند که اینکار از طرف دار و دسته حزب اسلامی حکمتیار صورت گرفته است و الله اعلم بالصواب.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ